

گفت‌و‌گوی «اعتماد» با علیرضا تابش مدیرعامل بنیاد سینمایی فارابی

گذر از حمایت مادی به سینمایی جهانی

۸

سه‌م مصدق از پایتخت؛ یک خیابان



حمیدرضا خالدي بالاخره بعد از ۳۹ سال از پیروزی انقلاب اسلامی، دیروز اعضای شورای شهر تهران رای به نامگذاری خیابانی به نام فردی کردند که یکی از اصلی‌ترین ارکان استقلال اقتصادی ایران را با ملی شدن صنعت نفت رقم زد. محمد مصدق، مرد ۸۴ساله‌ای که با وجود خدمات زیادی که برای این کشور کرد سال‌های پایانی عمرش را در کنج عزلت و انزوا سپری کرد و به گواه تاریخ در هیچ دوره‌ای قدر وی آنگونه که باید و شاید، دانسته نشد.

بعد از پیروزی انقلاب نیز با نگاه جدید حاکم بر کشور و حمایت از استقلال طلبان در دوره‌ای به یک‌باره دوباره تب مصدق‌خواهی اوج گرفت؛ تبی که درنهایت باعث شد طولانی‌ترین خیابان تهران یعنی خیابان پهلوی به نام «دکتر محمد مصدق» زده شود. اما خیلی زود این نام به ولیعصر تغییر کرد. بعد از آن تا سال‌ها، دیگر خبری از مصدق در بین نام خیابان‌های تهران نبود تا اینکه در شورای اول شهر تهران باز هم این

شرایط طرح در کمیته نامگذاری را ندارند چرا که آرا و افکار ایشان مورد تایید مقامات رسمی ایران نیست.» مهدی چمران، رییس اصولگرای شورای شهر هم در نهایت با این جمله به موضوع خاتمه داد که «تعیین تکلیف در مورد نامگذاری چنین خیابانی فقط مربوط به شورا نمی‌شود.»

گرچه دیگر اعضای اصولگرای شورای سوم نیز در این راه تمام تلاش خود را به کار بردند؛ تلاشی که اتفاقاً موفق هم بود!

حتی در آخرین جلسه رسمی شورای شهر تهران در مردادماه ۹۶، در این خصوص بحث و جدل مفصلی شد. در این بحث «مجتبی شاکری» اعلام کرد که به استناد حرف امام خیابانی به نام مصدق نامگذاری نشده است.

رییس کمیته نامگذاری شورای شهر تهران در رابطه با موضوعات مطرح شده پیرامون نامگذاری مکرر، در تهران به نام «محمد مصدق» تصریح کرد: پیش از این برای نامگذاری معبری در تهران

به نام محمد مصدق امضاهایی جمع‌آوری شد و اعضا درخواست خود را در قالب نامه ارایه کردند و پس از این بررسی‌ها برای این نامگذاری اقداماتی

گفت‌و‌گوی «اعتماد» با صادق درودگر مسوول کمیته اقتصادی سازمان لیگ

مشکل حق پخش امسال نهایی می‌شود

۱۵

محمدجواد حق‌شناس در پیامی تلگرامی خطاب به شهروندان نوشت: کمیسیون نامگذاری شورای شهر تهران، ری و تجربیست در هفدهم دی ماه نامگذاری گذرگاهی به نام یکی از مردان بزرگ تاریخ معاصر ایران، دکتر محمد مصدق را در دستور کار خود قرار داد و مصوب کرد. وی در ادامه آورده است: در همین راستا چهار گذرگاه خیابان نفت، زیرگذر خیابان آرش، بزرگراه فتح و بلوار کشاورز پیشنهاد شد تا یکی از آنها به نام «مصدق» نامگذاری شود. ضمن آنکه در نظرسنجی توییت‌ری اولیه صورت گرفته توسط برخی همکاران عضو شورا، بلوار کشاورز و تونل تازه تاسیس خیابان آرش بیشترین اقبال را نزد مشارکت‌کنندگان داشته‌اند.

حق‌شناس در این پیام از خیابان کارگر (شمالی) حدفاصل انقلاب تا بزرگراه حکیم (امیرآباد سابق) به عنوان یکی دیگر از گزینه‌های تغییر نام به «مصدق» یاد کرده و نوشته است: اکنون از مدیران رسانه و کانال‌های خبری و عمومی تقاضا دارم تا با همراهی و همکاری به عنوان نماینده افکار عمومی اعضای شورا را یاری رسانند و با انتشار

صنعت نفت، گفت: در جامعه امروز ما «مصدق» مخالفان جدی هم دارد و حتی پس از مطرح شدن نامگذاری خیابانی به نام «مصدق» در تهران مخالفت‌ها در قالب موضع‌گیری اعلام شد و در آن اوایل آقای شاکری، مسوول کمیسیون نامگذاری در شورای شهر قبلی دلایل خود را با استناد به نظر وام خمینی (ره) در مورد «مصدق» مطرح کردند.

وی همچنین به شایعاتی که در مورد مخالفت امام با مصدق مطرح بود اشاره کرده و گفت: زمانی که جبهه ملی در مورد لایحه‌های اشتباه تاریخی را مرتکب شدند، حضرت امام خمینی (ره) اظهارنظری در مورد «مصدق» داشت و این اظهارات امام خمینی (ره) فلسفه مخالفت شد.

وی با بیان اینکه نکته بعدی در مورد سخنان حضرت امام این است که آیا صحبت وی در مورد «مصدق» فتوایی مانند نظرش در مورد سلمان رشدی بوده است؟ گفت: البته به نقل از یکی از دوستانم که با یک واسطه از جلال‌الدین فارسی نقل کرده می‌گویم که جلال‌الدین فارسی بعد از بیانات امام در مورد «مصدق» نزد وی می‌رود و

»

در جامعه امروز ما «مصدق» مخالفان جدی هم دارد و حتی پس از مطرح شدن نامگذاری خیابانی به نام «مصدق» در تهران مخالفت‌ها در قالب موضع‌گیری اعلام شد.

جلال‌الدین فارسی بعد از بیانات امام در مورد «مصدق» نزد وی می‌رود و می‌گوید که خبر دارد که «مصدق» حتی خمس و زکات می‌داده است و این نقل قول منتشر شده است و باید بگویم موضوع پایان‌نامه «مصدق» در مورد ارث از مفهوم اسلامی بوده است و «مصدق» وصیت می‌کند که وی را در کنار شهدای ۳۰ تیر در امامزاده عبدالله دفن کنند.

یک نظرسنجی در پایگاه‌های خبری، کانال‌های تلگرامی و توییت‌ر خود با جمع‌آوری نظرات مردم و انتقال نتیجه آن به اعضای شورا یا اینجانب به انتخاب گذرگاه بهتر کمک کنند. اما هر یک از گزینه‌هایی که حق‌شناس مطرح کرده بود، با واکنش‌هایی مواجه شد. از جمله واکنش فرزندان آیت‌الله کاشانی با این طرح و نامگذاری خیابانی به نام مصدق بود. محمدجواد حق‌شناس در این خصوص با بیان اینکه بعد از رسانه‌ای شدن نامگذاری خیابانی به نام «مصدق»، دکتر محمود کاشانی، فرزند آیت‌الله کاشانی طی نامه‌ای مواردی مطرح کردند که اساساً نگاه‌شان به «مصدق» متفاوت است، گفت: دکتر کاشانی بر این باور است که نه تنها خدمت «مصدق» مورد بحث است بلکه عملکرد و رفتارش در یک برهه‌ای مستحق پاداش نیست و بلکه به خاطر خیانت‌یاد دور وی را خط کشید.

وی در خصوص ضرورت نامگذاری خیابانی به نام «دکتر محمد مصدق» رهبر جنبش ملی‌شدن و بدین ترتیب تهران مصدق‌دار شد. دیروز اما، احمد مسجدجامعی پیشنهاد نامگذاری خیابانی به نام بازارگان را داد تا اعضای شورا بلافاصله بعد از بسته شدن پرونده «مصدق» با چالش جدیدی روبه‌رو شوند.

چهارشنبه ۲۳ اسفند ۲۵،۱۳۹۶جمادی الثانی ۱۴،۱۴۳۹مارس ۱۸،۲۰۱۸سال یازدهم، شماره ۴۰۵۰

انتخابات

یادداشت

شورا، مصدق و مدیریت شهری

در دوره قبلی شورای شهر تهران، با توجه به موضوع ملی شدن صنعت نفت، پیشنهاد نامگذاری خیابان نفت به نام دکتر مصدق را مطرح کردم. از اعضای شورای پنجم شهر تهران تشکر می‌کنم که این مهم را به انجام رساندند و



غلامرضا انصاری

البته انتظار بیش از اینها بود. پیش‌تر موضوع نامگذاری خیابان کارگر شمالی به نام مصدق مطرح شده بود که به نظر اولویت داشت. اما به هر صورت یاد و خاطره قهرمان ملی ایران، دکتر مصدق در همین حد هم که محبت کردند در خور تقدیر است. به خصوص همزمانی تقریبی این نامگذاری با روز ۲۹ اسفند و سالگرد ملی شدن صنعت نفت برای همه مردم ایران و همه کسانی که دل‌شان برای آزادی، استقلال و سرفرازی ملت ایران می‌تپد، خاطره خوبی به جامی گذارد و مبارک است.

نام‌گذاری یک خیابان البته در ظاهر تأثیری بر زندگی معمول و روزانه شهروندان ندارد. اما حماسه‌ها، توتهم‌ها و قهرمانان ملی را تکریم و ترویج کردن می‌تواند الگویی باشد برای نسل جوان و آینده‌ساز ما. ملتی که به گذشته تاریخی خودش پشت کند، ملتی که از قهرمانان تاریخی برجسته‌اش تجلیل نکند، قطعاً امکان رشد و تعالی و حرکت پویا و زنده را ندارد. غرق شدن در گذشته هم می‌تواند آسیب‌های زیانباری داشته باشد اما از نظر من به یاد داشتن این قهرمانان از جمله وظایف ملی است. شاید خود این نقش‌آفرینان در زمان حیات خود راضی به این نبوده‌اند که نام‌شان روی خیابان قرار بگیرد، شاید هم این نامگذاری‌ها مشکلی از زندگی جاری مردم حل نکند اما شناساندن چنین چهره‌هایی آینده‌سازان را امیدوارتر می‌کند و به آنها این امکان را می‌دهد که راه، الگو و روش‌شان را از رفتار و گفتار و کردار این الگوها استنباط کنند و با این امکان، آینده بهتری را هم برای کشورسازند.

اما نامگذاری خیابانی به نام مصدق تنها یکی از موضوعات پیش‌روی شورای شهر بود. این شورا و مدیریت شهری با مسائل زیادی روبه‌رو هستند از جمله موضوعی که با عنوان شفافیت و مدیریت شهری شیشه‌های مطرح می‌شود. شفافیت یک اصل مهم است اما باید توجه داشت که جنس مدیریت شهری با جنس مدیریت‌های دیگر در داخل کشور تفاوت دارد. بودجه شهرداری (به‌خصوص در کلانشهرها) در هیچ‌کجای دنیا محل اعتبارات ملی تأمین نمی‌شود. باید مدیریت

شهری، مجموعه مدیران شهرداری و شورای شهر با این تفکر مشغول به کار شوند که به دنبال منابع جدید درآمدی بروند، منابع پایدار ایجاد کنند، منابعی که فشار را بر گروه مردم نیندازد و بتواند طراوت و شادابی را در مجموعه شهر ایجاد کند. شفافیت یک اصل اساسی و استراتژیک است اما تمامی وظیفه شهرداری و مسوولان شهری در آن خلاصه نمی‌شود. در بودجه‌ای که شهرداری که به شورا تقدیم کرده است نمی‌توان استراتژی مشخصی را دید، انتظاری که مردم برای تغییر و تحول در جهت مثبت شدن مدیریت شهری دارند را نمی‌تواند برآورده کند. امیدواریم که برای ادامه حیات شورا در سال دوم و سال‌های پیش‌رو، این مجموعه بتواند به شهرداری برنامه درازمدت بیست ساله‌ای بدهد و برنامه‌ای پنج ساله که جزئیات آن در شکل برش‌های یک‌ساله مشخص شده باشند. این گونه‌است که با برنامه جزء به جزء استراتژی مشخص مردم می‌فهمند که این شورا روزی که شهر را تحویل گرفت شهر چه وضعیتی داشته و پس از پایان چهار سال چه شهری را تحویل می‌دهند.

نکته دیگر این است که باید توجه داشته باشیم این است که عامل اصلی برای پیشرفت یک شهر عامل انسانی است. در ۱۴ سال گذشته ما شاهد اینداهم نیروی انسانی به خصوص در حوزه مدیریت شهر داری بودیم. نوسازی مدیریتی متناسب با شعارهای داده‌شده پیش نرفته‌است و انتظار ایجاد تحول از مجموعه‌ای که خود را وامدار مدیریت‌های قبلی می‌دانند و هماهنگی و وابسته تشکیلاتی به جریان رقیب شکست خورده هستند نمی‌توان داشت.

شمار این بود که جلوی فساد و کارهای ناشایست و غیراخلاقی و غیرشرعی که در گذشته رواج داشته‌است را می‌گیریم. عملی کردن این شعار در گروهی نیروی انسانی است. آن نیروی انسانی که در نظام ۱۴ ساله گذشته ثرق در حرکات پوپولیستی و غیراصولی بوده است، قطعاً نمی‌تواند چشم‌اندازهایی که رای‌دهندگان به دنبال آن بوده‌اند و شورای شهر ترسیم می‌کند را محقق کند. حرکت در جهت نوسازی نهاد مدیریتی بسیار کند است، فرصت ما محدود است و نمی‌توان انتظار مردم را به آینده موکول کرد و مدیریت شهری یعنی همین، یعنی نتیجه کارهایت را مردم باید فردا در زندگی روزانه‌شان ببینند، نمی‌شود آنها را به چهار سال و هشت سال بعد حواله داد. امروز که یک شهردار ناحیه ناموفق در مدیریت قبلی به شهردار یک منطقه ارتقا پیدا کرده است، باز ثابت مثبتی در افکار عمومی نخواهد داشت. سر هر چهارراه این شهر و کشور را بگیریم. ده‌ها جوان لایق و فداکار و مدیر می‌توانید پیدا کنید. نباید در انتخاب مدیر خدایکست به خرج داد، زمان آن است که به جوانان میدان داد تا به مدیریت برسند.

در دوره شهرداری آقای نجفی و شورای اصلاح‌طلب شهر فعلی اگر همین کادرسازی مدیریتی را سروسامانی دهد قدم بزرگی برداشته شده است. بهترین کار جابری کادرسازی مدیریتی در نظام مدیریت شهری است چون مثل رودخانه‌ای زنده و در جریان است. برای این رودخانه باید کسانی انتخاب شوند که هم توانایی شنا کردن در آن را داشته باشند و هم بتوانند جریان حرکت آن را در دست داشته و درست هدایت کنند.

فعال سیاسی و عضو سابق شورای شهر